

مصاحبه «نامه مردم» با

رفیق علی خاوری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۵۶ - مین سالگرد

تأسیس حزب توده ایران



مهر ۱۳۷۶

انتشارات حزب توده ایران

مهر ۱۳۷۶



مصاحبه «نامه مردم» با رفیق علی خاوری به مناسبت ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب

•.. بنظر من تاریخ حزب توده ایران از هر نظر و زاویه ای که بخواهید به آن نگاه کنید تاریخ منحصر به فرد و بیگانه ای در کشور ماست. حزب ما حزبی است که به دست زندانیان سیاسی و عناصر پیشرو و مترقی طرفدار آرمان های طبقه کارگر در ایران تأسیس شد و به لحاظ قدمت مبارزه، وسعت و گستردگی تاثیر سیاسی - فرهنگی که در جامعه بر جای گذاشته با هیچ نیروی سیاسی دیگر در ایران قابل مقایسه نیست...

•... کم نبودند تعداد افراد و جریان هایی از این دست که در سال های اخیر در اظهار نظر های خود بارها، مارکسیسم، لنینیسم، و درستی مقولاتی همچون امپریالیسم، مبارزه طبقاتی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را کفن و دفن کردند، مارکس را خیال پرداز و لنین را دیکتاتور معرفی نمودند و در انتهای کار هم در پوشش نوگرایی و نواندیشی، سرمایه داری یعنی یک ساختار واپسگرا، کهنه و پوسیده را، در شکل بزرگ شده آن به عنوان راه حل نهایی ارائه دادند. اظهار فضل های این چنینی بیش از آنکه نشانگر کار جدی علمی پیرامون مقولات بسیار بغرنج، پیچیده و ظریف اجتماعی اقتصادی باشد، موید سطحی نگری حاملان چنین نظریاتی است. به نظر نمی رسد که حضرات حتی به این شناخت و درک رسیده باشند که مارکسیسم و لنینیسم بخشی از علوم اجتماعی است که دانشمندان از موافق و مخالف پیرامون آن هزاران کتاب و مقاله نوشته و می نویسند و برای اظهار نظر پیرامون آن نیاز به کار علمی و کارشناسانه هست و نمی توان تنها با خواندن یکی دو جزوه کوچک و انشاء نویسی های بی سروته و طولانی در باره آن به قضاوت نشست...

•... ما برای مردم محروم میهنمان، در تنگناهای طاقت فرسای کنونی صمیمانه آرزوی گشایشی، حتی نسبی، می کنیم. ولی معتقد بوده ایم و معتقد مانده ایم که در چارچوب «ولایت فقیه» و مناسبات مسلط سرمایه داری انگلی قایم بر ایدئولوژی فقه

سنتی، گرهی اساسی از انبوه مشکلات جدی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما گشوده نخواهد شد. ما در ارزیابی خود پیرامون امر انتخابات نمی توانستیم به این واقعیت توجه نداشته باشیم که گردانندگان اصلی دین و حکومت و در راس همه آنها ولی فقیه، برای مردم و رای آنها و حضورشان در عرصه سیاسی تا آنجا ارزش قائلند که این رای و حضور در خدمت تحکیم رژیم «ولایت فقیه» و موقعیت و منافع متولیان نظام موجود عمل کند. حضرات برای در کنترل داشتن مسیر حرکات سیاسی و اجتماعی جامعه ابزار کافی «قانونی» در اختیار دارند...

س: با تشکر از اینکه بعد از مدتی طولانی فرصتی در اختیار ما گذاشتید تا در آستانه ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب با شما گفتگویی داشته باشیم. نخستین سؤال ما نیز به ۵۶ - مین سالگرد تأسیس حزب مربوط است. با سیر گذرایی در تاریخ و با توجه به تحولات سیاسی که در سال های اخیر در ایران و در عرصه جهانی رخ داده است شما شرایط کنونی حزب را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: با تشکر متقابل از اینکه می توانم بار دیگر مستقیماً با خوانندگان «نامه مردم» گفت و گویی داشته باشم. اجازه دهید تا پاسخ به پرسش شما را با تذکری کوتاه پیرامون این «طولانی» شدن فواصل مصاحبه که از سوی شما و همچنین برخی رفقای دیگر مطرح می شود شروع کنم. حزب ما مدافع اجرای اصل رهبری جمعی و مخالف عمده کردن افراد در مقابل ارگان های منتخب حزبی بوده است. هنگامی که ارگان های حزبی وجود دارند و عمده ترین خطوط سیاسی - مبارزاتی حزب را تعیین می کنند دیگر تکیه روی این یا آن فرد برای ارائه تحلیل و رهنمود بی مورد و زاید است. شما می دانید که در سال های اخیر علی رغم دشواری های انبوهی که بر دوش حزب، از نظر تدارکاتی بوده است، کمیته مرکزی حزب ما هر ساله به طور منظم نشست های خود را برگزار کرده و پیرامون مهمترین تحولات سیاسی ایران و جهان موضع گیری های مشخص، روشن و دقیقی ارائه کرده است و اسناد سیاسی این نشست ها هم از طریق چاپ در «نامه مردم» در اختیار عموم قرار گرفته است. با اتکاء به همین خرد جمعی بوده که حزب ما توانسته است در این شرایط که تحولات و نوسانات زیادی در ایران و جهان رخ می دهد، یک سیاست منسجم و یکپارچه ای را

ارائه بدهد. مصاحبه امروز هم در واقع وظیفه ای است که هیأت اجرایی با توجه به مجموعه شرایط بر دوش من گذاشته که به عنوان یکی از معدود باقی ماندگان نسل گذشته که ۵۶ سال است افتخار عضویت در حزب توده ایران را دارد به مناسبت سالگرد حزب با نسل جوان توده ای که در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ آن پرچم مبارزه را به دست گرفته گفتگویی داشته باشم.

حال برگردیم به پرسش شما درباره تاریخ ۵۶ ساله حزب توده ایران. بنظر من تاریخ حزب توده ایران از هر نظر و زاویه ای که بخواهید به آن نگاه کنید تاریخ منحصر به فرد و یگانه ای در کشور ماست. حزب ما حزبی است که به دست زندانیان سیاسی و عناصر پیشرو و مترقی طرفدار آرمان های طبقه کارگر در ایران تأسیس شد و به لحاظ قدمت مبارزه، وسعت و گستردگی تاثیر سیاسی - فرهنگی که در جامعه بر جای گذاشته با هیچ نیروی سیاسی دیگر در ایران قابل مقایسه نیست. طرح این مسأله نه به عنوان یک ژست تبلیغاتی بلکه حقیقت آشکاری است که هرکس با کمی انصاف می تواند آن را در لابلای اسناد تاریخ معاصر و حتی در انبوه نوشته هایی که در مخالفت و تهمت زنی به حزب توده ایران تهیه و منتشر شده است ردیابی کند. هنگامی که حزب ما پا به میدان مبارزه گذاشت فرهنگ غالب جامعه، فرهنگ فئودالی فوق العاده واپسگر و ارتجاعی بود. حزب توده ایران در مدت کوتاهی که امکان فعالیت علنی یافت آنچنان حیات سیاسی - فرهنگی جامعه را دگرگون کرد که اثرات آن تا به امروز نه تنها در میهن ما، بلکه در منطقه خاورمیانه همچنان باقی مانده است. در ایران آن روز حتی کلمه کارگر یک واژه ناآشنا بود. زنان حق رأی نداشتند و تعبد و تکلیف پذیری از استعمارگران، فرهنگ بخش مهمی از سیاست مداران و سیاسیون کشور را تشکیل می داد. دهقانان با زمین خرید و فروش می شدند، و عقب ماندگی سیاسی - فرهنگی در آمیخته به خرافات و تاریک اندیشی ویژگی اساسی روئینایی، و سرمایه داری عقب مانده همراه با فئودالیسم، ویژگی اساسی زیربنایی کشور را تشکیل می داد. احزاب و سازمان های سیاسی پدیده هایی نادر و شمار نثریات و مجلات علمی، فرهنگی و سیاسی بسیار اندک بود. در چنین شرایطی است که حزب توده ایران متولد شد و توانست در مدت زمانی کوتاه حیات فرهنگی - سیاسی کشور را به تمام معنی دگرگون کند. شما اگر به نخستین برنامه حزب ما که در سال ۱۳۲۳ در کنگره اول تصویب شد رجوع کنید می بینید که این برنامه چه برنامه مترقی، انقلابی و روشن بینانه ای برای زمان خودش بوده است. این نخستین برنامه یک حزب سیاسی در ۶۰ سال تاریخ معاصر ایران است که خواست تحقق حقوق

صنفی کارگران، تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت، مسأله ایجاد سیستم تأمین اجتماعی، اصلاحات ارضی برای دهقانان، حق رأی دادن و انتخاب شدن و برابری با مردان را برای زنان، و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی در آن طرح می شود و مهمتر از همه برای تحقق این آرمان های مردمی و مترقی در جامعه مبارزه هدفمند سیاسی سازمان دهی می گردد.

نکته دیگری که توجه به آن ضرور است این است که آشنایی ایرانیان با مارکسیسم و لنینیسم در پنج دهه گذشته عمدتاً از طریق حزب توده ایران صورت گرفته است. این حزب ما بود که کار ناتمام حزب کمونیست ایران، حیدر عموغلی ها، سلطان زاده ها و ارانی ها را در راه نشر این اندیشه های دورانساز در ایران در آن ابعاد گسترده پیگیری کرد و با انتشار صدها کتاب، مجله و مقاله علمی نیروهای مترقی و آزادی خواه را با این ایدئولوژی آشنا نمود. حتی امروز پس از گذشت پنجاه و شش سال اگر کسی بخواهد با کلاسیک های مارکسیسم به زبان فارسی آشنا گردد عمده ترین مرجعش انتشارات حزب توده ایران است.

شما توجه کنید که کسی مانند مهندس بازرگان که از مخالفان حزب ما بود در اظهار نظر راجع به تاریخ معاصر ایران تصریح می کند که تحزب و کار سیاسی در شکل رایج و امروزی آن از طریق حزب توده ایران در جامعه مطرح شده و همه نیروها در واقع در این زمینه در مکتب حزب توده ایران درس خوانده اند.

اهمیت کار عظیمی که حزب در ایران کرده است هنگامی بیشتر روشن می شود که توجه کنیم حزب ما بیش از چهل و چند سال از این پنجاه و شش سال را در شرایط «غیر قانونی» به سر برده است و دایماً هدف پیگرد و سرکوب خشونت بار نیروهای ارتجاعی و استبدادی حاکم بوده است. من همیشه به این نکته عمیقاً اعتقاد داشته و دارم که هراس جدی نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم از حزب ما نه به دلیل نیروی عظیم مادی آن بلکه به دلیل توان عظیم معنوی و تاثیر گذاری بوده و هست که حزب در شکل دادن به تحولات ایران داشته است. به خاطر دارم در نخستین یورش رسمی به حزب توده ایران در بهمن ماه ۱۳۲۷، دکتر اقبال در متنی که از طرف دولت وقت قرائت کرد، عمده ترین جرم حزب ما را «تبلیغ مرام اشتراکی»، «وابستگی به بیگانگان» و «فریب مردم ساده» برای آشوب و بهم ریختن وضع مملکت و به عبارت دقیق تر مجهز کردن توده های وسیع کارگران، دهقانان و زحمتکشان به سلاح مبارزه و سازماندهی مبارزه علیه نظام ستم شاهی اعلام کرد. امروز با انتشار انبوهی از اسناد دولتی انگلستان و آمریکا دیگر روشن شده است که یکی از اساسی ترین دلایل

سازماندهی کودتای ۲۸ مرداد توسط سازمان سیا و دستگاه جاسوسی دولت انگلستان هراس این کشورها از نفوذ چشمگیر و فزاینده حزب ما در ایران بود. این وضع هیچ تغییری در ۵۶ سال گذشته نکرده است. یعنی ۳۴ سال بعد از دکترا اقبال، ریشه‌ریزی دادگاه‌های انقلاب رژیم نیز همان جرم‌ها را برای توده‌ای‌ها مطرح می‌کند، ریگان همان نگرانی‌های روزولت را در مورد نفوذ حزب در منطقه تکرار می‌کرد و خامنه‌ای ناچار است اعتراف کند که بزرگترین نگرانی سران رژیم در دوران نخستین انقلاب نفوذ روز افزون و چشمگیر حزب توده ایران بود. تاریخ حزب ما تاریخ یک حزب زنده و پیکارگر است که به نظر من به تمامی جنبش کارگری و کمونیستی ایران و به همه نیروهایی که در راه آرمان‌های طبقه کارگر می‌رزمند تعلق دارد. فداکاری‌های کم نظیر توده‌ای‌ها در پنجاه و شش سال گذشته از صفحات غرور آمیز تاریخ ملت ماست. نزدیک به شش دهه گذشته اعضاء و هواداران حزب دهها هزار سال زندان و هزاران شهید داده و همچنان با شور و شوق و از جان گذشتگی پرچم مبارزه کارگران و زحمتکشان را در اهتزاز نگاه داشته اند. این تاریخ و این مبارزه نه تنها مایه سربلندی حزب ما بلکه صفحات درخشانی از جنبش آزادی خواهانه و مترقی کشور ماست.

البته تاریخ حزب ما همراه سربلندی‌ها، پیروزی‌ها و دست آوردهایش، شکست‌ها و اشتباهاتی هم با خود همراه دارد که ما منکر آن نیستیم. ولی شما هنگامی که این دو کفه را در کنار هم قرار بدهید و بخواهید منصفانه قضاوت کنید، این اشتباهات وزنه کوچکی است در مقابل تمام خدماتی که حزب در ۵۶ سال گذشته انجام داده است. از این تاریخ سراسر مبارزه و خصوصاً نکات برجسته و اساسی آن باید حراست کرد، یورش به آن و مسخ این تاریخ یکی از عمده ترین هدف‌هایی است که دشمنان طبقاتی جنبش کارگری و کمونیستی ایران پیگیرانه دنبال کرده، و می‌کنند و شما امروز نیز شاهد آن هستید که در شرایط حاکم بودن سانسور شدید بر کشور، رژیم چگونه اجازه می‌دهد انواع «خاطرات» و «کتب تاریخی» در مورد جنبش کارگری و کمونیستی به قصد لجن مال کردن آن انتشار پیدا کند.

س: رفیق خاوری شما در صحبت‌هایتان به یورش رژیم جمهوری اسلامی اشاره کردید، نظرتان درباره وضع کنونی حزب، یعنی ۱۵ سال پس از این یورش و با توجه به انبوه مسائلی که در سطح جهان در مورد حقانیت مارکسیسم - لنینیسم مطرح گردیده چیست؟

ج: یورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب که به شکل رسمی در بهمن ۱۳۶۱ آغاز شد، یکی از وسیع‌ترین و سنگین‌ترین ضرباتی است که حزب ما در طول تاریخ ۵۶ ساله اش با آن مواجه بوده است. در این حمله نزدیک به ده هزار نفر از اعضاء، هواداران، کادرها و اعضاء رهبری حزب ما در یک نقشه حساب شده و از پیش تعیین شده دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها شدند. همان طوری که قبلاً اشاره کردم هدف عمده رژیم فلج کردن کامل حزب و بیش از همه ضربه زدن به اعتبار و نفوذ معنوی آن در میان کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم جامعه بود. با چه شکنجه‌ها و نیرنگ‌هایی رژیم توانست تعدادی از اعضاء رهبری وقت حزب را که در شکنجه‌گاه‌ها خرد و درهم شکسته شده بودند به آن شکل روی صحنه تلویزیون بیاورد تا از زبان آنان حقانیت تاریخی حزب را زیر علامت سووال ببرد. این حمله اثرات مهلکی بر تشکیلات و ساختار حزب داشت. با دستگیری بخش بزرگی از رهبری حزب و کادرهای برجسته تماس میان سازمان‌های حزبی مختل شد. کار بازسازی حزب و اتخاذ سیاست مشخص در شرایط پس از حمله به دلیل مجموعه‌ای از مشکلات و گرفتاری‌ها با دشواری‌های زیادی روبرو شد. به همه این مشکلات، سردرگمی‌ها و اختلاف نظر‌ها، سوء استفاده افراد فرصت طلبی که شرایط را برای مطرح کردن خود و به دست گیری رهبری مناسب می‌دیدند باید اضافه کرد. علی‌رغم همه این مشکلات، توطئه‌ها و دشواری‌هایی که شرح آن در حوصله این مصاحبه نمی‌گنجد، حزب توانست با اتکاء به اعضاء و کادرهای رزمنده اش، ارگان‌های تشکیلاتی، سیاسی، تبلیغاتی و بین‌المللی خود را به تدریج بازسازی کند و با ارزیابی سیاست‌های گذشته، مجموعه‌ای از سیاست‌های نوین را در عرصه‌های مختلف اتخاذ نماید.

س: رفیق خاوری تحولات کشور‌های سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد شوروی چه اثراتی در حزب داشت؟

ج: مشکل دیگری که حزب ما در این ۱۵ سال با آن روبرو شد، مسأله تحولات در کشورهای سوسیالیستی سابق و فروپاشی اتحاد شوروی و درگیری‌های پس از آن بود. ابعاد و اهمیت این ضربه را فقط می‌توان در سطح جهانی بررسی و مشخص کرد. به عبارت دیگر جنبش جهانی کارگری و کمونیستی که حزب توده ایران یکی از اعضاء آن بود، ناگهان خود را با یک بحران نظری بسیار جدی که ماهیت و تاریخ آن را زیر ضربه برده بود، روبرو دید. حزب کمونیست اتحاد شوروی که نقش و جایگاه ویژه‌ای در این جنبش جهانی داشت به دست افراد فرصت طلب و ضد مارکسیست

افتاده بود که هدفی را جز نابودی سوسیالیسم و دست آورد‌های آن دنبال نمی کردند و امپریالیسم با استفاده از فرصت طلایی ایجاد شده کارزار مهیب تبلیغاتی را در سطح جهان علیه جنبش کارگری سازمان داده بود. واقعیت این است که کمتر حزب کارگری و کمونیستی را می توان سراغ گرفت که بر اثر این تحولات دچار مشکلات و دشواری ها نشده باشد. در حزب ما هم بودند کسانی که معتقد بودند حزب می بایست راه گارباچف ها، پروستریکا را طی کند و خود را از بندها و «دگم» های «ایدئولوژیک» رها سازد. بدیهی بود که اکثریت رفقای حزبی ما حاضر به پذیرش چنین توصیه هایی نبودند و بر عکس معتقد به بررسی دقیق خالی از جنجال و علمی حوادثی بودند که تاثیر حیاتی بر سرنوشت جامعه بشری داشته و خواهد داشت. شما می دانید که نه تنها در حزب ما بلکه در سازمان های دیگر چپ ایران نیز این اندیشه ها گاه تا حد تسخیر خط سیاسی و نظری برخی از این سازمان ها پیش رفت و در مجموع اثرات مخربی را بجای گذاشت. کم نبودند تعداد افراد و جریان هایی از این دست که در سال های اخیر در اظهار نظر های خود بارها، مارکسیسم، لنینیسم، و درستی مقولاتی همچون امپریالیسم، مبارزه طبقاتی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را کفن و دفن کردند، مارکس را خیال پرداز و لنین را دیکتاتور معرفی نمودند و در انتهای کار هم در پوشش نوگرایی و نواندیشی، سرمایه داری یعنی یک ساختار واپسگرا، کهنه و پوسیده را، در شکل بزک شده آن به عنوان راه حل نهایی ارائه دادند. اظهار فضل های این چنینی بیش از آنکه نشانگر کار جدی علمی پیرامون مقولات بسیار بغرنج، پیچیده و ظریف اجتماعی اقتصادی باشد، موید سطحی نگری حاملان چنین نظریاتی است. به نظر نمی رسد که حضرات حتی به این شناخت و درک رسیده باشند که مارکسیسم و لنینیسم بخشی از علوم اجتماعی است که دانشمندان از موافق و مخالف پیرامون آن هزاران کتاب و مقاله نوشته و می نویسند و برای اظهار نظر پیرامون آن نیاز به کار علمی و کارشناسانه هست و نمی توان تنها با خواندن یکی دو جزوه کوچک و انشاء نویسی های بی سروته و طولانی در باره آن به قضاوت نشست.

آنچه به حزب ما برمی گردد، ما معتقدیم که کار عظیم پاسخگویی به این مسایل وظیفه تاریخی و حساسی است که نیازمند کار مشترک، جدی و مسؤولانه کل جنبش کارگری و کمونیستی جهان است. ما در سال های اخیر از نزدیک با احزاب گوناگونی در این زمینه تبادل نظر کرده ایم از جمله احزابی بودیم که در دو کنفرانس مهم جهانی در باره مارکسیسم و دوران ما که در هند برگزار شد و کنفرانس مشورتی در مورد علل

فروپاشی سوسیالیسم در یونان حضور پیدا کردیم و نقطه نظرها و برداشت های خود را با احزاب گوناگون، از جمله احزاب کشورهای سابق سوسیالیستی از نزدیک در میان گذاشتیم. در همین کنگره اخیر حزب کمونیست فدراتیو روسیه فرصتی دست داد که هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب همراه با سایر هیأت های مهمان در جلسه ای جدا از کنگره با رفقای روسیه و نمایندگان سایر احزاب کارگری و کمونیستی بار دیگر در این باره تبادل نظر کنند. شما توجه کنید که حزبی با قدرت و توان فکری و علمی حزب کمونیست روسیه و با آن همه اطلاعات و داده های دست اول هنوز اظهار نظر قطعی در این باره نکرده است و هنوز مشغول کار تحقیقاتی در این زمینه است. نظر مشترک در میان اکثر احزاب کارگری و کمونیستی جهان این است که هنوز باید کار زیادی از لحاظ نظری و تحقیق علمی صورت بگیرد تا بتوان با مسؤولیت در این باره به قضاوت نشست. حزب ما در جریان تدارک چهارمین کنگره خود کمیسیونی از کمیته مرکزی را مأمور کرد تا در زمینه طرح اسناد اولیه ای در این زمینه کار بکنند که حاصل این کار پس از گذشت نزدیک به یکسال همان اسنادی است که «نامه مردم»، برای نظر خواهی از اعضای و هواداران حزب و همچنین قضاوت عموم به چاپ رساند. البته این تنها یک گام کوچک برای روشن کردن موضوع های مورد بحث و برخی اشارات به مضامین این بحث ها است و بی شک باید در آینده باز هم کار بیشتری در این زمینه انجام بگیرد.

س: وضع امروز چپ در سطح جهان و ایران را چگونه می بینید؟

ج: من فکر می کنم که پس از دوران کوتاهی که جنبش جهانی کارگری و کمونیستی واقعاً دچار سردرگمی شده بود و حالت دفاعی به خود گرفته بود ما الان شاهد اوج مجدد جنبش کارگری و کمونیستی در سراسر جهان هستیم. شما نگاه کنید در ایتالیا، پرتغال، فرانسه که احزاب نیرومند کمونیستی دارند، پس از دوران دشواری های جدی که از جمله در ایتالیا در حد انحلال حزب بود، این احزاب مجدداً با نیروی تازه و با شکل بسیار قدرتمندی که تعجب مفسران سیاسی سرمایه داری را برانگیخته است دوباره به میدان آمده اند و امروز اندیشه های چپ و کمونیستی پرچم نه تنها کمونیست ها بلکه اقشار بزرگی از کارگران و زحمتکشان گردیده است. کافی است تنها به حرکت های کارگری در اروپا در دو سال گذشته از آلمان تا فرانسه، اسپانیا، پرتغال، بلژیک و ... نگاه کنید چنین وسعت، گستردگی و مبارزه ای کم سابقه بوده است. در آمریکا پس از دهه ها افول تشکل های کارگری و سندیکایی،

ناگهان صدها هزار نفر به سمت آن رو می آورند و مبارزه در قلب امپریالیسم اوج تازه ای پیدا می کند. مهمتر از همه نگاه کنید به کشورهای سوسیالیستی سابق که احزاب کمونیست در آنجا شکست سختی را متحمل شده بودند و در هشت سال گذشته هدف یک کارزار تبلیغاتی گسترده و توقف ناپذیر بوده اند. انتخابات ریاست جمهوری روسیه از جالب ترین این نمونه ها است حزب کمونیست روسیه که توسط دولت وابسته یلتسین غیرقانونی شد، مورد بورش قرار گرفت و رسانه های گروهی در کنترل کامل انحصارها لحظه ای از تبلیغ علیه آن دست بر نداشتند، در انتخابات ریاست جمهوری نماینده اش بیش از ۳۰ میلیون رأی می آورد و به اعتراف رسانه های گروهی امپریالیستی اگر کمک تبلیغاتی این رسانه ها و صدها میلیون دلاری که برای این کار مایه گذاشتند وجود نمی داشت معلوم نبود که نتیجه انتخابات همان باشد که شد.

به نظر من دلیل این استقبال به جنبش کارگری و کمونیستی روشن است. در نبود اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی و با اعلام نظم نوین جهانی از سوی امپریالیسم که چیزی جز غارت آشکار و بی حد جهان توسط معدودی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیست مردم در جهان متوجه شدند که چه تکیه گاه نیرومندی را در دفاع از منافع خود از دست داده اند. مردم کشورهای سوسیالیستی هم که از نزدیک امروز هر دو سیستم سرمایه داری و هم سوسیالیسم پر اشکال را تجربه کرده اند به این اعتقاد رسیده اند که سیستم گذشته از نظر دست آوردهای انسانی - اجتماعی و ارزش قایل شدن به انسان به عنوان محور پیشرفت اقتصادی و نه سرمایه، چه سیستم برتر و پیشرفته تری بود. و امروز حاکم شدن سرمایه داری در کشورشان چه فاجعه عظمی است که برای رها شدن از آن می بایست راه دراز بیموده شده را دوباره طی کرد.

در مورد چپ ایران نیز به نظر من اگر بتوانیم بر این همه چند دستگی و اختلاف که برخی از زمینه های آن اکنون دیگر از بین رفته است چیره بشویم، آینده آن در میهن ما آینده بسیار روشن و تعیین کننده در تحولات آتی کشور است. حزب ما عمیقاً بر این باور است که جنبش کارگری در کنار سایر زحمتکشان شهرها و روستاها، نیروی تعیین کننده در تحولات آتی کشور است. این نیروها به طور طبیعی نیروهایی هستند که خانه شان و سازمان شان چپ ایران است و چپ ایران در صورتی که بتواند بر بیماری پراکندگی خود چیره شود و صف واحد طبقه کارگر و زحمتکشان را سازمان دهی کند عمده ترین نیروی سیاسی ایران در آینده خواهد بود

س: رفیق خاوری، یکی از مهمترین تحولات اخیر کشور، مسأله هفتمین انتخابات ریاست جمهوری بود. احزاب و سازمان های سیاسی مختلف مواضع گوناگونی را در قبال این انتخابات اتخاذ کردند، اگر ممکن است پیرامون مواضع حزب در این مورد توضیحاتی بدهید. کسانی سیاست عدم تحریم و عدم پشتیبانی از کاندیدای بخصوصی را نوعی سیاست بی طرفی و یا امتناع نامیدند.

ج: پیش از هر چیز، هنگام طرح و بررسی مسأله انتخابات در شرایط حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» بر میهن ما، لازم به تصریح است که حزب ما روند تدارک و برگزاری انتخابات را در زمینه فقدان شرایط تامین دموکراتیک مشارکت رای دهندگان در انتخابات، تامین حق شهروندان برای کاندید شدن، رعایت دیگر آزادی ها و حقوق لازم افراد و سازمان های سیاسی و اجتماعی در این امر مهم، به هیچ وجه آزادانه و دموکراتیک ندیده و نمی بیند. آنچه که در جریان این انتخابات نسبت به دفعات گذشته متفاوت بود حرکت نیرومند توده های مردم است که پروسه ای مخدوش، تصنعی و فرمایشی را به مشتی کوبنده، اعتراضی رعد آسا و خواستی آمرانه تبدیل کرد که بهر حال و بهر تقدیر آثار و عواقب بسیار جدی را به همراه خواهد آورد.

از این مقدمه کوتاه که بگذریم، در پاسخ به سوؤال شما باید بگویم که موضع گیری های حزب توده ایران نسبت به مسایل مربوط به میهن ما اساساً بر مبنای پشتیبانی قاطع از حقوق و آزادی های زحمتکشان و مصالح عام میهن استوار است نمی تواند بی طرفانه باشد. حزب ما، از مدت ها قبل از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری تاکتیک افشاگری قاطعانه و پیگیر ماهیت عمیقاً زالو صفت و انگلی بورژوازی دلال و مدیریت سیاسی - مذهبی واپسگرا و تاریک اندیش این بخش از بورژوازی را در سیمای جناح حکومتی معروف به «راست سنتی» به عنوان هسته اصلی و حلقه مرکزی مبارزه سیاسی و اجتماعی خود، در استراتژی طرد «رژیم ولایت فقیه» به پیش برده است.

تاکید بر این واقعیت، یعنی نفی قاطع یک طرف از دو طرف اصلی مدعی کرسی ریاست جمهوری را نمی توان سیاست بی طرفانه و یا امتناع نامید. ما تا اینجای کار با احساس مسؤلیت و درک ابعاد اهمیت تصمیم می توانستیم اظهار نظر کرده باشیم که کردیم. اما برای تحکیم مبانی امید و اعتماد توده ها به امکان تحولات بنیادین در رژیم «ولایت فقیه» هیچگونه شواهد و دلایل مطمئنی وجود نداشت و ندارد که روی

فرد معینی شرط بندی کنیم.

ما برای مردم محروم میهنمان، در تنگناهای طاقت فرسای کنونی صمیمانه آرزوی گشایشی، حتی نسبی، می‌کنیم. ولی معتقد بوده ایم و معتقد مانده ایم که در چارچوب «ولایت فقیه» و مناسبات مسلط سرمایه داری انگلی قایم بر ایدئولوژی فقه سنتی، گرهی اساسی از انبوه مشکلات جدی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما گشوده نخواهد شد. ما در ارزیابی خود پیرامون امر انتخابات نمی‌توانستیم به این واقعیت توجه نداشته باشیم که گردانندگان اصلی دین و حکومت و در راس همه آنها ولی فقیه، برای مردم و رای آنها و حضورشان در عرصه سیاسی تا آنجا ارزش قائلند که این رای و حضور در خدمت تحکیم رژیم «ولایت فقیه» و موقعیت و منافع متولیان نظام موجود عمل کند. حضرات برای در کنترل داشتن مسیر حرکات سیاسی و اجتماعی جامعه ابزار کافی «قانونی» در اختیار دارند. شما امروز شاهد هستید که بسیاری از طرفداران آقای خاتمی هم در اظهار نظرهایی که بازتاب بیرونی پیدا کرده است، و از جمله آخرین آن مصاحبه بهزاد نبوی با روزنامه سلام است، ناچارند بر صحت و دقت ارزیابی حزب ما و این حقیقت که با وجود کنترل کلیه اهرم‌های قدرت توسط «ولی فقیه» تصور اینکه بتوان کاری جدی انجام داد تصویری غیر واقع بینانه است، صحه بگذارند.

س: با این وجود، گردش سریع و غیر منتظره جو سیاسی کشور را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: اگر از عامل مداخلات و تبلیغات ابلهانه و تحریک آمیز وابستگان و خدمه و اکره جناح حکومتی «راست سنتی» به نفع کاندیدای این جناح بگذریم، که نقش کوچکی در تفته کردن روند انتخابات نداشت، باید گفت عمر عوامل زمینه ساز اصلی این تحول به طول سال‌های استبداد می‌رسد؛ منتها بروز و اعلام پر سرو صدای آن در فاصله بین انتخابات پنجمین دوره مجلس و هفتمین دوره ریاست جمهوری تحقق پیدا می‌کند.

در جریان انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، جناح رسالت، سرمست از اشغال گام به گام اکثر مواضع و موقعیت‌های موثر در نهادهای حکومتی و در راس همه آنها، در انحصار داشتن برگ برنده «ولی فقیه»، برای تسخیر انحصاری قدرت حکومتی خیز برداشته بود و حتی به متحد بانفوذ خود و عامل تعیین کننده در امر برکناری مجمع روحانیون مبارز از اکثریت کرسی‌های مجلس و دیگر نهادهای

حکومتی، پشت کرد؛ زیرا با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری او وعدم موفقیت وی در تدارک زمینه‌های «قانونی» و جلب موافقت دیگر متولیان رژیم به انتخاب مجدد، نقش او را انجام یافته و ستاره اش را رو به افول می‌دید، تا آنجا که از قبول پیشنهاد رفسنجانی برای گنجاندن چند نفر کاندیدای نمایندگی مجلس دوره پنجم استنکاف کرد. گروه کارگزاران با نقشه پردازی و توصیه رفسنجانی پا به عرصه درگیری جدید سیاسی گذاشت. در آن هنگام اثر و کاربرد این اقدام فقط در انتخابات پنجمین دوره مجلس می‌توانست مطرح باشد و مطرح بود، نه در حوادث آتی سیاسی و به ویژه در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری.

ایجاد چنین شکافی در درون دو جناح اصلی حکومتی در زمینه انزجار و دلزدگی توده‌های وسیع مردم از سیاست‌های مجموعه رژیم حاکم، نیروی عظیمی را که به زور اختناق و دستگاه‌های سرکوبگر قادر نبود نقش موثر خود را در حوادث سیاسی کشور ایفاء کند، تاحدی از زیر فشار سهمگین خارج ساخت. به نظر من امکان تکرار مانور سابق رفسنجانی در پشت کردن به متحدان سیاسی خود- آنچه در انتخابات سومین دوره مجلس و با جناح به اصطلاح رادیکال انجام شد- برای جامعه روحانیت مبارز و جناح رسالت قابل تصور نبود، چیزی که به وقوع پیوست. رفسنجانی پیوند گسسته با این رانده شدگان از سیاست کشور را که در نتیجه ائتلاف وی با جناح رسالت ممکن گردیده بود، از نوبرقرار کرد و به تشکیل نوعی ائتلاف بین رقبا و مخالفان سیاسی جناح رسالت و روحانیت مبارز کمک کرد و عملاً بلوک جدید سیاسی را ممکن ساخت.

این جابجایی‌ها در موضع‌گیری‌های جناح‌های حکومتی و شکاف حاصله بین سران حکومتی نه تنها معادلات جناح‌های درون و پیرامون حکومت را بهم ریخت، بلکه گذرگاه بروز و خروج قانونی اعتراض نیرومند مردم را، در شرایطی غیر قابل تعقیب و سرکوب از جانب رژیم، فراهم ساخت. کسانی در مرحله اول و پیش پرده «حماسه دوم خرداد»- انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی- به رای بالایی از طرف مردم مفتخر شدند که اگر در فهرست مشترک با «جناح رسالت» می‌آمدند به سرنوشت سران کاندید شده هیأت مؤتلفه اسلامی گرفتار می‌آمدند. رای بالای (در واقع رای اول تهران) به خانم فائزه هاشمی، تبلور و تبارز اعتراض سرکوب شده نسبت به سیاست‌های زن ستیز رژیم خودکامه و کهنه‌گرا بود. همین اعتراض سرکوب شده بود که به شکل رای منفی به رژیم و کاندیدای آن، و رای مثبت به محمد خاتمی به صندوق‌ها ریخته شد.

بهر حال، انتخابات ریاست جمهوری نیروی شگرف توده های میلیونی را که در محاسبات حکمرانان رژیم «ولایت فقیه» به فراموشی سپرده شده بود، به مثابه نیرویی مستقل از رژیم، نه در تایید بلکه در تقابل و رد آن، به شکل برجسته مطرح ساخت. اینک حکمرانان جمهوری اسلامی با شناخت این نیرو خود را برفراز کوه آتش فشان موقتا خاموش احساس می کنند و مردم، دیگر، خود را جمع افرادی تنها در قبال خودکامگی و ستم رژیم نمی بینند. این شناخت عمومی مجدد توده ها از نیروی همبستگی و اعتراض نسبت به رژیم، به تقابل و تعارض توده های بی حقوق با حکومت داران مستبد ابعاد گسترده و ژرفای بی سابقه ای خواهد داد.

عکس العمل بیرونی رژیم در مقابل این زمین لرزه سنگین، تظاهر به بی تفاوتی در قبال رای منفی مهیب مردم و تاویل آن به حمایت سرتاسری از رژیم «ولایت فقیه» و نظام قایم بر آنست! و اما واقعیت امر و شواهد موجود و جابجایی های اولیه گواه برحاکم شدن روحیه عصبی، ترس و انتقام جویی بر اعمال «ولی فقیه» و سران جناح شکست خورده در انتخابات است که همچنان بر اهرم های اصلی حکومتی و اقتصاد مسلطند.

رژیم، با احیاء و توان بخشی «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، نقش دولت و ریاست جمهوری را به نقشی صرفاً اجرایی و دست دوم و در خدمت اهداف مجمع تشخیص مصلحت تقلیل داده است که زیر نظر شخص رهبر و هاشمی رفسنجانی، سکانداران اصلی سیاست های کشور و نمایندگان روحانیت حاکم، بورژوازی تجاری و بورژوازی رو به رشد بوروکراتیک، مجاز به انجام وظیفه تعیین شده است.

تا روزی که مردم میهن ما، در اکثریت قاطع و موثر خود، به این نتیجه نرسند که در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» تغییرات و اصلاحات فقط می تواند به آرایش سطحی و «تلطیف» نسبی رنج ها و محرومیت انسان ها و اسارت روحی و فکری آنها بیانجامد، اساساً در بر همین پاشنه خواهد چرخید. مردم برای دستیابی به حقوق و آزادی هایشان باید نیروی موثر و کارآیی را از وحدت و انسجام فعالیت سیاسی خود در مقابل زورگویی و استبداد رژیم حاکم سازماندهی کنند.

ن: رفیق خاوری حزب اخیراً از طریق انتشار مقالاتی در «نامه مردم» پیرامون توطئه های ارگان های امنیتی رژیم در درون و بیرون از کشور اختراهایی داده است اگر ممکن است در این باره توضیحات بیشتری را بدهید.

ج: مسأله توطئه های ارگان های امنیتی رژیم در واقع از روزی که این رژیم دستگاه

امنیتی خود را به راه انداخت لحظه ای قطع نشده است و تا روزی هم که این رژیم بر سر پا است قطع نخواهد شد، منتها اشکال و بروز بیرونی آن در مقاطع مختلف گوناگون است. زمانی ارگان امنیتی رژیم به جمع آوری اطلاعات علیه حزب مشغول بودند و از طرق مختلف زیر نظر داشتن خانه های حزبی، استراق سمع تلفن، نفوذی فرستادن و ... این کار را انجام می دادند. بعد این توطئه ها با حمله به حزب وارد مرحله نوینی شد. حزب با شوهای تلویزیونی، انتشار انبوه «اعترافات» به زور داغ و درفش به دست آمده و سپس تشکیل کمیته های رنگارنگ و غیره برای انفجار حزب از درون مواجه بود. با شکست این برنامه و در پی کشتار جمعی زندانیان توده ای و گروه بزرگی از زندانیان سیاسی، رژیم به فکرهای دیگری افتاد که ما بازتاب آن را در این سال ها در اشکال مختلف دیده ایم. چاپ انواع و اقسام «خاطرات» و نوشته هایی از این دست به نام قربانیان شکنجه و در شکل بازجویی تنظیم گردیده بود و تلاش برای جا انداختن این نظرات به عنوان «نظرات توده ای»، توطئه دیگری بود که با هشداری باش رهبری حزب با شکست روبرو شد در دو سال اخیر هم با ترفند جدیدی به نام حزب سازی و سازمان های «چپ» ایجاد کردن در ایران روبرو هستیم. در کشوری که هواداران حزب به جرم خواندن کتب حزبی و فعالیت در صفوف حزب شکنجه و اعدام می گردند، ناگهان سازمان «چپی» اجازه پیدا می کند کتب رفقایمان مانند جوانشیر، بهزادی، نیک آئین و رفقای دیگر را که رژیم وحشیانه آنان را قتل عام کرده است، آزادانه تکثیر کند و برای فروش آنها در مجلات کشور تبلیغات یک صفحه ای بگذارد.

این مجموعه آزادانه با خارج از کشور و نیروهای «خودی»، ارتباط می گیرد. و فعالیت شدید تبلیغاتی برای زیر علامت بردن حزب و ارگان های قانونی آن و دامن زدن به اختلافات مشترکاً آغاز می گردد. حضرات آزاد هستند مصاحبه انجام دهند و نظرات چهره های «سرشناس» و «توانمند» توده ای را زیر عنوان رهنمودها و نظرات «محافل آگاه توده ای» در درون کشور منتشر کنند. و عوام فریبی را تا به آنجا رسانده اند که می گویند امروز آنقدر در ایران آزادی هست که قول تشکیل حزب در ایران داده شده است و این کار به دست همان چهره های «توانمند» بزودی انجام خواهد گرفت؛ و نکته ظریف دیگر اینکه خط چنین حزبی هم چیزی نیست جز فعالیت قانونی در چارچوب قانون اساسی رژیم «ولایت فقیه» و دفاع از این «نظام» در مقابل خطر «خارجی» و شاید مهمتر از آن مقابله با خط «انحرافی و خانمان برانداز رهبری حزب در مهاجرت» که مردم را به مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» فرا می خواند.

تا آنجا که من اطلاع دارم اکثر رفقای توده ای با این جریان مرز بندی مشخص دارند و بسیار هوشیار تر و آگاه تر از آن هستند که فریب چنین مانورهایی را بخورند. در پی هشدار باش حزب، باید منتظر بود که مهره های دیگری به صحنه آورده شوند. ما این توطئه را به هیچ وجه پایان یافته نمی بینیم و معتقدیم رفقای حزبی در هر کجا که هستند باید با نهایت دقت و هوشیاری با آن برخورد و مقابله کنند. نباید اجازه داد دشمن با سوء استفاده از احساسات پاک ما دریچه ای را برای نفوذ در قلب ما و ضربه مجدد به حزب بیابد.

«نامه مردم»: با تشکر از شما پیامی برای رفقا دارید؟

ج: اجازه دهید تا از این فرصت استفاده کنم و فرا رسیدن ۵۶ -مین سالگرد تأسیس حزبمان را به همه رفقا، اعضاء و هواداران حزب در هر کجا که هستند تبریک بگویم و برای کارگران و زحمتکشان و همه مردم میهن ما که در راه آزادی استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند آرزوی پیروزی و موفقیت بکنم.

